

متن پیاده سازی شده جلسه پانزدهم تفسیر قرآن کریم 19 بهمن ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

تفسیر کلمه الرحمن الرحيم

مقدمه

در جلسه گذشته گفتیم که الف و لام الرحيم می تواند موصوله باشد و قهراً اسم است و می توان الذی را جایگزین الف و لام الرحيم آورد. روایتی دال بر این مطلب آورده و گفتیم که الف و لام الرحيم تفسیر به الذی شده است. دوستان متن روایت را آوردند و مشاهده کردیم حق با ایشان هست و در روایت الف و لام الرحمن به الذی تفسیر شده است. امام می فرمایند در شروع هر کار کوچک و بزرگی بسم الله الرحمن الرحيم بگوئید یعنی استعانت می جویم بر این امر از الله، بعد امام الرحمن را به الذی یرحم تفسیر می کنند.

به قطعی الصدور بودن روایت اذعان نمی کنیم ولی با این انسان مطمئن می شود که حدیث از امام صادر شده و شک نداریم. حالا اگر حدیث را نادیده بگیریم از نظر موازین هیچ مانعی نمی بینیم که الف و لام الرحمن موصول باشد. پس تفاوت این بیان با بیان جلسه گذشته این شد که می خواستیم از حدیث با کمی یارانه (سویسیت) استفاده کنیم ولی امروز رسماً بدون هیچ یارانه ای از حدیث استفاده می کنیم.

مطلب دیگری هم برای چند جلسه قبل است. در مورد الله گفتیم که معروف به علم ذات مستجمع صفات شده است. ما در جلسات قبل گفتیم که الله اشاره به ذات الهی متجلی دارد. در این حدیث فوق باز این نکته آمده که ای استعین علی هذا الامر یعنی وقتی بسم الله الرحمن الرحيم می گویم کمک می گیرم برای انجام این کار از الله که عبادت جز برای او نیست. این حدیث الله را علم مستجمع همه صفات نگرفته است بلکه موید قول ما است.

تفسیر الرحمن الرحيم

سوالاتی در مورد رحمان و رحيم است که یک مفسر قرآن باید آنها را بداند.

1. فرق رحمان و رحيم چیست؟

2. صفات خداوند را چگونه باید تصور کنیم؟ بنده اسم این بحث را بومی سازی صفات در مورد خداوند می-گذارم مثلاً صفت غضب یعنی طرف خشمگین شده، صورت اش سرخ شده و می گوئیم به او نزدیک نشوید ولی غضب در مورد خداوند چگونه است چرا که خداوند نه جسم است، نه مکین است، نه صورت و رنگ دارد.

3. رابطه بین رحمت و رحمانیت خداوند با عدل و حکمت چیست؟ همچنین بحث خلود چگونه است؟

بررسی سوال 1: فرق رحمان و رحيم

اگر این سوال را از کسی بپرسید در جواب می گویند رحمان اشاره به فیض گستره ناشناس (یعنی فیضی که مفاض بر همه است). درجه رحيم نسبت به رحمان بالاتر است یعنی رحمتی که محدود است و گستره خاصی بر مومنان و صالحان دارد. گاهی این بیان به روایاتی هم مستند می شود که امام فرمودند: رحمان اسم الخاص بصفة العامة و رحيم اسم العام بصفة الخاصة. در تفسیر نمونه و المیزان همین مطلب آمده است. علامه طباطبایی از درصدد بوده اند که از دل خود صیغه هم همین مطلب را بیرون بکشند و فرموده اند رحمان صیغه مبالغه است و صیغه مبالغه دال بر کثرت و گستردگی است پس رحمان رحمت گسترده از حیث دامنه شمول (مسلمان و غیر مسلمان، مومن و غیر مومن حتی کافر) است و رحيم صفت مشابه است که دال بر بقا و دوا است یعنی رحمت خداوند نسبت به مومنان بقا دارد.

أ. آقای علامه طباطبایی مثل اکثر اساتید تصور کرده اند که ثبوت در صفت مشببه به معنای دوام است. صفت مشببه دال بر ثبوت است ولی به معنای دوام نیست. ثبوتی را که علما در صفت مشببه به آن قائل هستند همان حالت است ولو حالت موقت باشد و حدیثی که در اسم فاعل می گویند همان کار است؛ مثلاً یکبار می گوئیم زید این کار را انجام می دهد و یکبار می گوئیم زید این حالت را دارد. اگر بگوئیم کار می کند می گوئیم راحم است (یا ارحم الرحمین) و اگر خواستیم بگوئیم این حالت را دارد می گوئیم رحیم که این حالت امکان دارد دائمی یا موقت باشد.

ب. ما خیلی وقت ها در نصوص دینی این سهمیه بندی را نمی بینیم که بگوئیم رحمان رحمت برای واسطه است و رحیم برای نیکان و رحمت محدود است. به بعضی از آیات و روایات مراجعه می کنیم.

1. ﴿الْمَلِكُ يُؤَمِّنُ الْحَقَّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا﴾ ملک و سلطنت روز قیامت براساس حق است. آمدن رحمان در آخرت طبق مبنای آقایان فنی نیست.

2. امام سجاد می فرماید: (يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا) رحیم دنیا و الآخرة درست است ولی رحمان دنیا و الآخرة یعنی چه؟ طبق مبنای آقایان رحیم دنیا و آخرت صحیح است ولی رحمان دنیا و آخرت صحیح نیست.

3. ﴿إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ طبق مبنای آقایان باید لرؤوف الرحمان گفته می شد چون ناس آمده برای همه است. حالا در جواب بگویند منظور از ناس مومنان است این ها دیگر یارانه (سوبسیت) در حق آیه است.

بنده نمی فهمم این مسامحه در رحمان و رحیم از کجا آمده است. حدیث مربوطه که سند محکمی ندارد و یا شاید عبارت بعضی علما بوده که با تصویری که از رحمان و رحیم داشتند به عنوان حدیث امام صادق معروف شده است. نمی توان گفت خدای متعال در آخرت نسبت به غیر مومن رحمت ندارد. رحمت خداوند شامل حال مستضعفینی که مومن و مسلمان هم نیستند می شود حتی کفاری که در عذاب هستند گاهی از رحمت الهی بهره مند می شوند. ما معذّب تر از ابولهب نداریم ولی در بعضی روایات آمده که روزی یکبار یک رحمت بر او سرازیر می شود و از شصت انگشت اش کمی آب سرازیر شده و او می نوشد و این رحمت به خاطر مزد یک کار بوده است. وقتی کنیز ابولهب بشارت ولادت پیامبر اکرم را آورد و ابولهب نه بخاطر خدا و ایمان بلکه بخاطر حس عشره ای و قومی قبیله ای خیلی خوشحال شد و کنیز را آزاد کرد، برای همین امر مثبت، خداوند در آخرت یک رحمتی برای او قرار داده است.

پس اینگونه نیست که خداوند در آخرت باب رحمت اش را برای کفار و غیر مسلمانان ببندد البته که در آخرت هم همه چیز با حساب و کتاب است مثلاً در مورد مستضعفان که معتقدیم عذاب نمی شوند.

بررسی سوال 2: صفات خداوند را چگونه باید تصور کنیم (بومی سازی)

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان راجب بحث بومی سازی عبارت خوبی دارند. ایشان می گوید ما وقتی از این صفات در مورد خداوند استفاده می کنیم باید معنای برآیند را بگیریم نه فرآیند و برآیندی معنا کنیم. در خارج یک نفر که رحیم است مثلاً نیازمندی را می ببند و حس شفقت و رحمت وی تحریک می شود و چه بسا به این نیازمند کمکی هم بکند. یعنی اول فرآیند رخ می دهد یعنی متاثر می شود و سپس دست در جیب می کند و کمکی به او می کند. علامه می فرماید شما در خدا به آن نتیجه معنا کنید یعنی وقتی می گوئیم خداوند رحمان و رحیم است به این معنا نیست که متاثر می شود، ناراحت می شود و بعد کمکی هم می کند بلکه معنای رحمان و رحیم در حق خداوند این است که خداند صاحب فیض و رحمت است. یا می گوئیم خداوند صاحب غضب است، غضب در مورد بشر بدین گونه است که یک خیر ناراحت کننده می شنویم یا می بینیم ناراحت می شویم یا غضبناک می شویم و در درجه آخر ممکن است دستوری هم بدهیم. در مورد غضب خداوند منظور ناراحتی و اشک چشم و این ها نیست بلکه نتیجه غضب منظور است یعنی انتقام گیری.

معنای برآیندی را روی بقیه صفات خداوند هم می توان پیاده کرد مثلاً خداوند شاد شد که نتیجه این شادی الهی نعوذبالله خوشحالی درجسم نیست بلکه خداوند با شاد شدن احسان می کند.

سوالات آخر درس

سوال 1: استاد ترجمه فارسی رحمان و رحیم چیست

پاسخ: جلسه آینده یادآوری کنید حداقل یک اشاره ای به معنای این دو کلمه داشته باشیم.

سوال 2: در رابطه با کفار دو بخش داریم: یک بخش داریم که در برزخ است و اگر کار خوبی هم داشته باشند ممکن است به آن دست پیدا کنند و بخش دیگر در قیامت است که مسلمان و کافر از هم جدا می شوند.

پاسخ: اگر خلود را قبول کنیم خلود برای طیف خاصی است. در برخی روایت آمده که بهشت 8 در دارد، یک در برای غیر مومنان است مانند کفار و عنود و ... یعنی اینگونه نیست که فقط در برزخ باشد و در آخرت رحمتی برای این ها نباشد.

سوال 3: مستضعفین عذاب نمی شود ولی اگر مستضعف گناهان دیگری انجام بدهد چگونه است؟

پاسخ: عذاب نشدن بخاطر اعتقاد است. فرض کنید مستضعفی قتلی انجام دهد یعنی گناهی که عقل قبح آن ها را درک می کند به خاطر این گناه مؤاخذه می شود. ما در اینگونه گناهان بلوغ را هم شرط نمی دانیم. مثلاً بچه ای که کاملاً خوب و بد را می فهمد و دست به جنایت می زند مانند صدام که از بچگی شر بوده است.

سوال 4: اگر ثبوت را به معنای حالت بگیریم در مورد خداوند چگونه متصور است؟

پاسخ: در مورد خداوند بحث بومی سازی اش پیش می آید. ببینید بالاخره رحمان و رحیم آمده و باید در مورد خداوند یک تصویری داشته باشیم. من و شما ی بشر محل ده ها تغییر هستیم که در مورد خداوند این تغییرات فرض هم نمی - شود. ما باید توجیه کنیم که توجیه علامه طباطبایی بهترین توجیه است.

سوال 5: تاثیری که در بشر است شاید بتوانیم بگوئیم خداوند این حالت را ندارد اما تاثیری که بگوئیم خداوند گناهکاری را می بخشد.

پاسخ: ببینید دعوا سر کلمه نیست. شما الان می خواهید این کلمه را حفظ کنید منتهی دستی هم در کلمه ببرید. اولاً کلمه را حفظ نکنید چون کلمه قابل دست کاری نیست و تأثیر یعنی تأثر یعنی پذیرش اثر. مثلاً شما یک مداحی خوبی می کنید و بنده متأثر می شوم. شما نمی توانید بگوئید تأثر در خداوند هم تأثر است ولی اینگونه یا فلان گونه است. حواس تان باشد که به معنای این نباشد که خداوند این را نداشت و یک دفعه فقیری را دید و منقلب شد.

سوال 5: استاد منشا این برآیندی که فرمودید چیست؟ سبب و علت می خواهد.

پاسخ: حکمت خدا اقتضا می کند که این کار را انجام دهد البته این هم زمانی است که بگوئیم فیض خداوند علت می - خواهد درحالی که فیض خداوند علت نمی خواهد.